چند و چون شانزدهمین جشنواره فیلم کوتاه در گفت‌وگو با شهرام مکری و بهنام بهزادی، داوران این جشنواره

یک اتفاق خوب

فیلم کوتاه «بازگشت به کار گردانی سهیلا گلستانی»

فیلم کوتاه «حذف اضطراری»

مهربانو ابدی‌دوست

«طوفان سنجاقک»، «محدوده دایره»، «آندوسی»، «اشکان، انگشتر متبرک و چند داستان دیگر»، «اردک آبی»، «خام، پخته، سوخته» فیلم‌های کوتاهی هستند که برای سازنده‌شان شهرام مکری جایزه‌های مهم و معتبر جشنواره‌های ایرانی و خارجی را به ارمغان آورده‌اند، فیلم بلند و تجربی او «ماهی و گربه» امسال در جشنواره‌های معتبر جهانی جایزه‌های زیادی را نصیبش کرد. بهنام بهزادی هم کارش را با عکاسی و تئاتر شروع کرده و همزمان به ساخت فیلم‌های کوتاه و مستند پرداخته است و در کارنامه کاری‌اش بیش از بیست فیلم کوتاه و مستند دارد که برای برخی از آنها موفق به دریافت جوایزی از جشنواره‌های داخلی و خارجی شده است. نخستین فیلم بلند او «تنها دو بار زندگی می‌کنیم» است که مورد توجه منتقدان و هیات داوران جشنواره فیلم فجر قرار گرفت و از جشنواره‌های معتبر خارجی جوایزی را برای بهزادی به ارمغان آورد. بهزادی «قاعده تصادف» را در سال ۱۳۹۱ ساخت و حالا هم مشغول نگارش فیلمنامه سومین فیلم بلندش است. شهرام مکری و بهنام بهزادی از جمله هفتاد و هفت داوری بودند که شانزدهمین جشنواره آکادمی فیلم کوتاه را در سه روز متوالی در خانه سینما به تماشا نشستند. فیلم‌های به نمایش درآمده در این دوره از میان آثار کوتاه و تجربی تولیدشده در سه سال گذشته انتخاب شده بود. بسیاری از داوران آکادمی فیلم کوتاه و میهمان‌های دعوت شده به این داوری بر این نکته اذعان داشتند که اتفاق‌های خوبی را می‌توان برای آینده سینمای ایران پیش‌بینی کرد. با شهرام مکری و بهنام بهزادی درباره وضعیت فیلم کوتاه به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

■ فیلم کوتاه در سه سال گذشته نسبت به سال‌های قبل‌تر چه رشدی به لحاظ کیفی و کمی داشته است؟

مکری: فکر می‌کنم فیلم‌ها در تکنیک خیلی پیشرفت کرده‌اند، مثلا در امر فیلمبرداری، صداگذاری و بازی. پیشرفت فیلم‌ها در این موارد بسیار چشمگیر و محسوس است. از طرف دیگر در زمینه تدوین و دکوپاژ هم خیلی خوب کار کردند. نکته‌ای که درباره فیلمنامه مهم است، توانایی زیاد کارگردان‌های فیلم کوتاه در نزدیک شدن به فیلم‌های رئالیستی است؛ یعنی این نکته هم در فیلم‌ها به صورت مشهود دیده می‌شود، اما فقری که در فیلم‌ها وجود دارد، کمبود جهان‌بینی کلی‌تر از طرف فیلمسازها در شکل دادن به فیلم‌هایشان است. به نظرم این چیزی است که در فیلم‌هایشان وجود داشت. فیلم‌ها در جزئیات خیلی خوبند ولی هنوز شاید آن ایده مرکزی‌شان قوام لازم را ندارد.

بهزادی: مهم‌ترین اتفاقی که افتاده تمرین و تجربه‌های نسل جدید است. فکر می‌کنم آمدن تکنولوژی‌های جدید باعث آسان‌تر شدن فیلمسازی شده و قابلیت تمرین کردن و تجربه کردن را به فیلمسازان جوان بیشتر از گذشته می‌دهد. برای همین نمونه‌های خوبی که دیدیم، در یک سطح کیفی و فنی بسیار بالایی ساخته شده بودند.

■ از لحاظ فیلمنامه چی؟

مکری: اگر بخواهم دقیق بگویم به نظرم مهم‌ترین مشکلی که در فیلم‌های کوتاه وجود داشت، پایان‌بندی آنها بود. فیلم‌ها خیلی راحت هرجا که دوست داشتند، به پایان می‌رسیدند و انگار که لزومی بر کامل کردن فرم و داستان‌شان احساس نمی‌کردند. از نظر من این نقطه ضعف فیلمنامه فیلم‌ها بود و اگر بخواهم ۱، ۲، ۳ و ۴ بگویم می‌توان گفت ضعیف‌ترین بخش‌شان، نسبت به فیلمبرداری و صدابرداری و بازی‌ها بخش فیلمنامه بود.

■ بهزادی: به گمانم از سال‌ها پیش یعنی به رسم سنت فیلم کوتاه در ایران از دوره‌ای که با سینما جوان شروع شده است، همواره مبنایی دارد که بیشتر به تصویر و کمتر به داستان توجه می‌شود. شاید ریشه‌های این ماجرا برمی‌گردد به سنت سینمای جوان که با عکاسی شروع شد و بعد به خود تصویر مربوط بود و کمتر به صورت بنیادی به قصه، داستان و فیلمنامه پرداخته شد. همچنین فکر می‌کنم این سنت ادامه دارد. این قضیه بیشتر از وجه آموزشی در واقع جنبه تاریکی هم دارد که فیلم‌های کوتاه ما اصولا توجه بیشتری به فرآیند تصویر دارند تا تمرین و یادگیری. ساخت فیلمنامه‌هایی که قابلیت‌شان به اندازه اتفاقی که در تصویر می‌افتد، رج خورده باشد، اما این نافی این نکته هم نیست در فیلم‌هایی که ما دیدیم، نمونه‌های خوبی هم از فیلم‌ها وجود داشت که نمی‌توان نادیده گرفت. اما به طور کلی نیاز است به وجه ادبی فیلمنامه‌ای فیلم‌ها بیشتر پرداخته شود.

شهرام مکری

■ حضور عوامل حرفه‌ای مانند صدابردار، فیلمبردار، تدوینگر و غیره را در فیلم‌های کوتاه تا چه اندازه خوب قلمداد می‌کنید و آیا این نشان از اوضاع و احوال خوب فیلم کوتاه است؟

مکری: تفاوتی که بین امسال و سال‌های قبل وجود دارد، این است که ما در سال‌های قبل بیشتر می‌دیدیم که عوامل سینمای بلند با بچه‌های فیلم کوتاه همکاری کنند، ولی آن چیزی که امسال توجه من را به خودش جلب کرد این است که خیلی از عوامل کوتاه خودشان تبدیل شده‌اند به آدم‌های حرفه‌ای که در فیلم‌های بلند فعالیت می‌کنند، منظورم این است که اسم‌های آشنا و حرفه‌ای در تیتراژ فیلم‌ها می‌بینیم اما دیگر به معنی کوچ کردن از سینمای بلند به کوتاه نیست. بچه‌هایی که در حوزه‌هایی مثل فیلمبرداری و صدابرداری فعالیت می‌کنند در عرصه فیلم کوتاه نیز آدم‌های معتبر و قابل قبولی شده‌اند که و در فیلم‌های بلند هم فعالیت کرده‌اند. به هر حال چون فیلم‌های کوتاه، فیلم‌هایی هستند که فیلمسازان‌شان سعی می‌کنند با سینمای بلند ارتباط بگیرند حضور عوامل سینمای بلند در کوتاه نیز می‌تواند امیدبخش باشد البته به این نکته اشاره کنم که ما در سینمای حرفه‌ای هم می‌توانیم فیلم‌های کوتاه حرفه‌ای داشته باشیم و هم بلند حرفه‌ای و هم می‌توانیم فیلم‌های بلند آماتور داشته باشیم و هم کوتاه آماتور. وقتی می‌گوییم فیلم‌های حرفه‌ای صرفا نمی‌تواند فیلم‌های بلند باشد، فیلم بلند و کوتاه داریم و فیلم‌های حرفه‌ای و آماتور. و این در هر دوی این نسل‌ها می‌تواند وجود داشته باشد.

بهزادی: با توجه به امکانات فنی و در دسترسی که وجود دارد، سطح فنی فیلم‌ها خیلی بالا رفته است. در کنار اینها یک سری مولفه‌های دیگری نیز وجود دارد مثل حضور عوامل حرفه‌ای سینما در کارهای کوتاه که فکر می‌کنم از هر جهت این اتفاق، اتفاق خوبی است، برای اینکه هم سطح کیفی آثار را بالا می‌برد و هم استاندارد خوبی برای فیلم کوتاه ایجاد می‌کند و موجب می‌شود آنهایی که فیلم کوتاه را دنبال می‌کنند، چه به عنوان بیننده و چه به عنوان سازنده با استاندارد بالاتری، خودشان را برای ساخت فیلم راضی کنند. اما در کنار این به هر حال فیلم کوتاه جایی است برای تجربه، تمرین و یادگیری و شاید آنقدر نباید حضور عوامل حرفه‌ای در فیلم کوتاه پررنگ شود که جا برای تازه‌واردها و آنهایی که قرار است در این فیلم‌ها محلی برای عرضه هنر خودشان داشته باشد تنگ شود، به نظرم در فیلم‌هایی که ما دیدیم ترکیب این دو اتفاق افتاده بود که خیلی خوب است.

■ با توجه به فیلم‌های کوتاهی که تماشا کردید، چه وضعیتی را برای آینده سینمای حرفه‌ای پیش‌بینی می‌کنید؟

مکری: ما در سال‌های آینده به زودی با تعدادی فیلمساز خوب روبه‌رو خواهیم شد که حتما به کمک فیلم‌های بلند خواهند آمد. با فیلمسازهایی که می‌توانند یک داستان را به راحتی کارگردانی کنند اما کماکان با نبود فیلمنامه‌نویس خوب مواجه خواهیم بود. در واقع فیلمسازان فیلم کوتاه رشد زیادی کردند، اما متاسفانه فیلمنامه‌نویسان نه. همان مشکلی که در سینمای بلند داریم، در سینمای کوتاه هم داریم.

بهنام بهزادی

بهزادی: نکته مهم و قابل توجهی که وجود داشت در واقع هم خیلی خوشحال کننده بود و هم خیلی نگران کننده، خوشحال کننده از اینکه می‌شود امیدوار بود استعدادهای خیلی خوبی طی سال‌های آینده وارد سینمای حرفه‌ای ما می‌شوند. و نگران کننده از این جهت که بیان‌های شخصی کمتری ما در این فیلم‌ها می‌بینیم و در حقیقت توجه کمتری که به امر فیلمنامه و داستان‌گویی در فیلم‌ها می‌شود می‌تواند نگران کننده باشد. اما در مجموع به نظرم می‌توان خوش‌بین بود با حضور این دوستان، به هر حال با آدم‌های تازه‌نفس و خلاق و تمرین کرده‌ای مواجه هستیم که می‌توانند حرف‌هایی در سینمای حرفه‌ای ما برای گفتن داشته باشند.

■ مولفه‌های مهمی که در آثار نسل جوان سینمای ایران وجود دارد به لحاظ محتوایی چیست؟

مکری: در حدود این ۸۰ فیلمی که دیده‌ام، فکر می‌کنم داستان‌های رئال اجتماعی بزرگ‌ترین رویکردی بود که در کارهای فیلمسازان فیلم کوتاه می‌توان دید. یعنی توجه به داستان‌های اجتماعی و این مدل از قصه که در واقع برشی از زندگی مقابل دوربین قرار گیرد بیشترین چیزی بود که در آثار بچه‌ها مشاهده کردیم. در واقع فیلمسازان از آن تخیل و فضاهای فانتزی و داستان‌هایی که حاصل تخیل بودند، دور بودند.

بهزادی: چیزی که توجه مرا خیلی به خودش جذب کرد، این بود که شاید در فیلم‌های کوتاه، محدودیت‌های فیلم بلند نیست. جوان‌ها خیلی بیشتر بازتاب‌دهنده شرایط و وضعیت پیرامون خودشان هستند و البته این از این نظر قابل توجه است که جا دارد مدیران فرهنگی نگاه مجددی نسبت به رویکردی که دوستان به فیلم کوتاه دارند داشته باشند. نکته دیگری که هست این است که در فیلم‌هایی که ما دیدیم تنوع و گوناگونی زیادی وجود ندارد و از طرف خود فیلمسازان شاید لازم است نگاه دیگری به این موضوع بشود شاید فیلم کوتاه جایی است که آدم‌ها می‌توانند رفته‌رفته تجربه و تمرین کنند و به زبان و بیان شخصی خودشان برسند و دیدگاه شخصی خودشان را پیدا کنند که ما این امر را در فیلم‌های کوتاه کمتر می‌بینیم.

■ شما ۷۷ فیلم کوتاه، محصول سه سال تولید فیلم کوتاه را تماشا کردید. یعنی داوری سه سال را به علت تعطیل بودن خانه سینما در یک سال انجام دادید. فکر نمی‌کنید این تاخیر یا تعلیق کار را برای رقابت فیلم‌های کوتاه سخت می‌کند؟

مکری: چرا، امسال متاسفانه به خاطر عدم‌تدبیری که مدیران دوره قبل داشتند و خانه سینما تعطیل شد این اتفاق به وجود آمد اما امیدوارم از سال بعد دوباره همان روند طبیعی طی شود.

مثل زندگی طولانی

فرهیختگان: گیزلا وارگانی سینایی، نقاش ایرانی مجارستانی تبار و همسر خسرو سینایی کارگردان و فیلمنامه‌نویس هم به جمع بهروز غریب‌پور، فاطمه معتمدآریا، آتیلا پسیانی، قباد شیوا، نیکی کریمی، فرهاد آییش، رضا یزدانی، لیلی رشیدی و بابک حمیدیان پیوست تا برای دومین جشنواره فیلم و عکس همراه تهران فیلم کوتاه موبایلی بسازد. فیلم کوتاه موبایلی این نقاش مجارستانی تبار ساکن ایران و همسر خسرو سینایی، مراحل فیلمبرداری را به پایان برده و در حال تدوین و صداگذاری است. سینایی فیلم کوتاه موبایلی‌اش را این‌طور تعریف می‌کند: دلم می‌خواست یکی از تابلوهای خودم را از مجموعه سفرنامه‌ام نشان بدهم. این اثر یک نقاشی ۵۰ سانتی‌متر در ۱۵ متر است. طولانی بودن این نقاشی با این ایده است که مثل زندگی طولانی است. در طول فیلم مراحلی از کار روی این تابلو را نشان می‌دهم که از نظر تکنیکی کار دشواری بود چون طول تابلو زیاد است و فیلمبرداری از آن کار دشواری است. با اینکه این اولین فیلمی است که می‌سازم، دوست داشتم تمام مراحل آن را به صورت مستقل انجام بدهم، بنابر این از خسرو تقاضای کمک نکردم. البته در تمام طول سال‌های زندگی با ایشان، در جریان مسائل مربوط به فیلمسازی بوده‌ام، اما این فیلم را کاملا مستقل ساخته‌ام. موسیقی فیلم برگرفته از یک آهنگ فولکلور لهستانی است که کلارین پوز آن را خوانده و در یکی از نمایشگاه‌های من در خارج از کشور اجرا شده است. به نظرم این موسیقی با صدای یک خانم، با فیلم من که در مورد زندگی خودم به‌عنوان یک زن نقاش است، بسیار همخوانی دارد.

گیزلا سینایی

موسیقی ما دیگر تاثیرگذار نیست

فرهیختگان: پری ملکی، خواننده، موزیسین و مدرس آواز با کنسرت‌هایی که به همراه گروه خنیا در ۱۰ سال اخیر در سراسر اروپا برگزار کرده است، خارجی‌های بسیاری را به موسیقی ایران علاقه‌مند کرده و افتخارات بسیاری را در جشنواره‌های بین‌المللی به نام ایران رقم زده است.

قرار است پری ملکی و گروه خنیایش روزهای هفتم و هشتم شهریورماه آینده در قالب یک کنسرت همخوانی در تالار وحدت به صحنه بروند.

او در بخشی از گفت‌وگویش با هنرآنلاین می‌گوید: این روزها آهنگسازان ایرانی از ملودی‌ها و ساختارهای قدیمی فاصله گرفته‌اند و نتیجه این شده که قطعات امروزی بیشتر تکنیکال هستند ولی فاقد حس و حال. موسیقی ما دیگر تاثیرگذار نیست و با روح و فکر آدم‌ها تماس ندارد. خیلی زود هم فراموش می‌شود. اما آهنگ‌های قدیمی یکی از دیگری ماندگارتر و تاثیرگذارتر هستند. نمی‌شود کنارشان بگذاریم و بگوییم خب دیگر بس است به اندازه کافی قدیمی اجرا کرده‌ایم. اینها گنجینه‌هایی هستند که هرچقدر آنها را اجرا کنیم باز هم کم است، باز هم شنیدنی هستند و در این میان من وظیفه خودم دیدم، شرایطی مهیا کنم که جوان ما بتواند این آثار را در اجراهای زنده بشنود.

گروه خنیا بر این باور است که وظیفه‌اش یادآوری و معرفی ساخته‌های ارزشمند قدیمی به نسل جدید نیز هست. چنین شد که ترکیب کنسرت اخیر را صد درصد از میان قطعات ماندگار تاریخ موسیقی‌مان انتخاب کردیم.»

پری ملکی

گزارش

قصه‌هایی به انتخاب کودک درون نویسندگان

فرهیختگان: شکوه قاسم‌نیا از نام‌های مهم و تاثیرگذار ادبیات کودک و نوجوان عصر سه‌شنبه به فروشگاه مرکزی شهر کتاب رفت تا در مراسم رونمایی از مجموعه ۱۰ جلدی «قصه‌ای که دوستش دارم» از چند و چون شکل‌گیری این داستان‌های دوست‌داشتنی بگوید. بنا به گفته او ایده این مجموعه اواخر سال ۸۹ با پیشنهاد نشر پیدایش شکل گرفته و منجر به گزینش ۱۰ داستان خوب از ۱۰ نویسنده پیشکسوت ادبیات کودک و نوجوان شده است. قاسم‌نیا توضیح می‌دهد: ما فکر کردیم وقتی نویسنده‌ای سال‌ها داستان نوشته، بارها در جلسات نقد شرکت کرده و برای کتاب‌هایش جایزه گرفته است، بدون شک سلیقه‌اش می‌تواند معیار خوبی برای انتخاب یکی از داستان‌هایش در این مجموعه باشد؛ با همین نگرش هم بود که عنوان این مجموعه کتاب‌ها را «قصه‌ای که دوستش دارم» انتخاب کردیم، چون قرار بود هر نویسنده، قصه‌ای را که از تمام داستان‌هایش بیشتر دوست دارد، انتخاب کند. از سوی دیگر با خودمان فکر کردیم چرا همیشه ما نویسنده‌ها باید تحت سلطه و سیطره سلیقه کودکان باشیم؟ بهتر است این بار کودک درون‌مان یک قصه خوب برای کودکان انتخاب کند. شکوه قاسم‌نیا، سرور گیتی، محمدرضا شمس، طاهره ایبد، مرجان کشاورزی آزاد، افسانه شعبان‌نژاد، فریبا کلهر، فرهاد حسن‌زاده، سوسن طاقدیس و مجید راستی مولفان مجموعه ۱۰ جلدی «قصه‌ای که دوستش داشتم» هستند که در هر جلد، یک قصه از یک نویسنده به انتخاب خودش انتخاب شده است.

یاد

خاموشی شاعر مقاومت

سمیح‌القاسم شاعر فلسطینی

فرهیختگان: سمیح القاسم، شاعر فلسطینی که نامش با شعرهای انقلابی و مقاومت گره خورده است، بعدازظهر سه‌شنبه - ۲۸ مرداد - بر اثر بیماری سرطان کبد در بیمارستان «صفد» در مناطق اشغالی در ۷۵ سالگی از دنیا رفت تا پایانی باشد بر آوارگی و بازداشت خانگی‌اش به جهت مواضع میهن‌پرستانه و حمایت از اقوام عرب. محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین در واکنش به مرگ این شاعر مهم مقاومت گفت: او صدای بلند مردم فلسطین بود که در طول حیاتش آوازهای زیبایی را به فلسطینی‌ها هدیه کرد و تمامی زندگی‌اش بر مبنای حمایت از حق، عدالت و حمایت از سرزمین مادری استوار بود. سمیح القاسم از مخالفان جدی قانون کار اجباری رژیم اسرائیل برای طایفه درزی‌ها بود و چندین بار تهدید به مرگ شد. به گزارش شبکه الجزیره، سمیح القاسم که بیش از ۷۰ اثر در شعر و نثر و نمایشنامه از خود به جای گذاشته است، با نامه‌نگاری‌هایی که با محمود درویش در دهه ۷۰ داشت، معروف شد. این نامه‌ها بعدها به «یادداشت‌هایی کمی پرتقالی» مشهور شدند. شاعر حامی مقاومت که با محمود درویش دوستی نزدیکی داشت، شعرهای زیادی دارد که براساس آنها سروده‌های زیبایی در سرزمین‌های عربی ساخته شدند؛ از جمله ترانه‌ای که مرسیل خلیفه آن را اجرا کرد و تمامی شبکه‌های عربی و فلسطینی در این روزها به دفعات آن را پخش می‌کردند. از او تاکنون بیش از ۶۰ کتاب شعر، داستان، نمایشنامه و ترجمه منتشر شده است که تمامی آنها در هفت جلد جمع‌آوری شده‌اند. برخی از شعرهای او به فارسی، انگلیسی، فرانسه و دیگر زبان‌ها برگردانده شده‌اند. در دیوان بزرگ شعر او، بخش زیادی از شعرهایش به موضوع مبارزه و رنج فلسطینی‌ها اختصاص یافته است. القاسم جوایز، نشان‌ها و تقدیرنامه‌های زیادی را دریافت کرده که از مهم‌ترین آنها می‌توان به جایزه صلح فلسطین، جایزه ادبی نجیب محفوظ از مصر و جایزه شعر فلسطین و دو جایزه ادبی از فرانسه اشاره کرد. همچنین او دوبار موفق به دریافت نشان فرهنگی قدس شد. براساس اعلام خبرگزاری‌های فلسطینی، قرار است پیکر او برای تدفین به الرامه، روستای محل تولدش منتقل شود.

دقیقه ۹۰

به همراه ارکستر سمفونیک تهران

کیتارو در تهران کنسرت برگزار می‌کند

فارس: «کیتارو» موسیقیدان شهیر ژاپنی اواخر مهرماه به تهران سفر می‌کند و به همراه ارکستر سمفونیک تهران در سالن وزارت کشور به اجرای برنامه خواهد پرداخت. کیتارو تاکنون قطعات خاطره‌انگیز و محبوب بسیاری را خلق کرده که از جمله آنها ساخت موسیقی سریال مستند «جاده ابریشم» است. نمایش این مستند و انتشار آلبوم آن، موجی از شهرت و محبوبیت بین‌المللی را برای او به همراه آورد که درنهایت منجر به بردن جایزه گرمی و جایزه گلدن گلوب و ساخت موسیقی فیلم «بهشت و زمین» برای اولیور استون شد. او تاکنون ۳۰ آلبوم منتشر کرده که بسیاری از آنها جزء پرفروش‌ترین‌ها بوده‌اند. برای مثال از آلبوم «روشنی یک روح» تاکنون تنها در آمریکا حدود دو میلیون نسخه به فروش رسیده است. او اکثر آثارش را در استودیو شخصی‌اش در یکی از کوهپایه‌های ژاپن ساخته، نواخته و ضبط کرده است. موفقیت‌ها و شهرت جهانی کیتارو باعث شد تا او سفرهای خود را به سراسر جهان آغاز کند و به دنبال آن، شش آلبوم قبلی خود را با نام‌های «سفر کیهانی»، «داستان کامل ماه»، «هزاران سال»، «هند»، «ابر نقره‌ای» و «آسیا» کامل‌تر و آلبوم جدیدی نیز با عنوان «به سوی غرب» منتشر کرد. پیام صلح و یکی بودن مردم سراسر جهان در هنر و موسیقی با انتشار یک سری آلبوم توسط این موسیقیدان با مضمون صلح و معنویت به رسمیت شناخته شد و حتی «کیتارو» توربین المللی موسیقی خود را با عنوان «تور عشق و صلح جهانی» در سال ۲۰۰۷ به راه انداخت. بر اساس این گزارش، پس از حضور اشتفان میکوس و انور براهم این سومین موسیقیدان بزرگی است که به تهران سفر می‌کند. البته چند سال پیش نیز قرار بود کیتارو به تهران سفر کند که سفر او به دلیل برخی از مشکلات لغو شد. این کنسرت در ۲۳ و ۲۴ مهر در تالار وزارت کشور برگزار خواهد شد.

خبرچین

ایسنا: احمد پوری از ترجمه کتاب «خاطرات» پابلو نرودا خبر داد. این مترجم درباره کتاب خاطرات این شاعر شیلیایی برنده نوبل ادبیات، گفت: این کتاب بیوگرافی نرودا است که به قلم خودش نوشته شده و زیرعنوانی هم دارد با عنوان «اعتراف به زندگی». از نظر من این کتاب یکی از مهم‌ترین کتاب‌های تاریخ ادبیات بعد از جنگ جهانی دوم است و نرودا در آن زمان حضوری جدی در ادبیات داشته است. این کتاب به نوعی شرح ملاقات‌های او با چهره‌های سیاسی و ادبی است و از نظر ادبی هم این کتاب نوشته نرودا با سبک خاص اوست که از بچگی تا روزهای آخر زندگی‌اش را روایت می‌کند و با اینکه حالت بیوگرافی دارد، اما به کلیشه تبدیل نشده است. کتاب خاطرات پابلو نرودا در نشر چشمه منتشر می‌شود.

خبر

روزهای ناخوش احوالی خالق «پدرسالار»

فرهیختگان: این روزها که سریال دوست‌داشتنی و به‌یادماندنی پدرسالار از تلویزیون ایران در حال بازپخش است، خالق آن روی تخت بیمارستان و در بخش مراقبت‌های ویژه با عینک آفتابی آن را تماشا می‌کند و این‌طور که خودش می‌گوید باز هم برای خودش تازگی دارد و انگار که برای بار اول است آن را تماشا می‌کند. اکبر خواجویی دیگر با صدای بلند نمی‌تواند حرف بزند، آرام و نفس‌نفس‌زنان سخن می‌گوید اما هنوز هم در اوج بی‌صدایی ابهت سالار بودنش را حفظ کرده، روی تخت بیمارستان خوابیده و هنوز هم عاشقانه کارش را دوست دارد و به زندگی امیدوار است و وقتی اسم سریال پدرسالار را از زبان خبرنگار ایسنا می‌شنود، چشمانش برق می‌زند و سرش را تکان می‌دهد و می‌گوید: «پدرسالار» واقعا پدرسالار بود. او عینک آفتابی زده است تا چشم‌های جراحی‌شده‌اش به خاطر آب مروارید از نور آزار نبیند. حنجره ناراحتش به او اجازه نمی‌دهد بلند حرف بزند و حال بدش به او اجازه نداده است تا مابقی بازنویسی کار بلندسینمایی‌اش را پیش ببرد.

خط داغ

فرهیختگان: روزبه نعمت‌الهی، سه‌شنبه ۱۸ شهریور ۱۳۹۳ در سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی تهران، روی صحنه می‌رود. رهبری ارکستر روزبه نعمت‌الهی در این کنسرت برعهده «سهیل بیانی‌مهر» خواهد بود. روزبه نعمت‌الهی تاکنون آلبوم‌های سرزمین مادری (۱۳۸۲)، هفته عاشقی (۱۳۸۶)، عمو زنجیرباف (۱۳۸۸) و داروگ (۱۳۹۲) را منتشر کرده است. همچنین قطعه پرطرفدار «ایران خاک دلیران (این نه منم من...)» از مشهورترین آثار او به شمار می‌رود. آلبوم جدید این هنرمند نیز با همخوانی و حضور هنرمندان سرشناس در دست تولید است که اطلاعات تکمیلی در این باره، در آینده منتشر خواهد شد.

فرهیختگان: مراسم تشییع پیکر و خاک‌سپاری سیمین بهبهانی روز جمعه (۳۱ مردادماه) برگزار می‌شود. به گفته خانواده این شاعر، آنها طبق خواسته سیمین بهبهانی برای خاک‌سپاری او در امامزاده طاهر کرج در جوار همسر و نوه‌اش، این موضوع را پیگیری کرده‌اند و منتظر جواب هستند.

ایسکانیوز: همایون شجریان شب ۲۸ مرداد در سالن فجر کرمان روی صحنه رفت و اجرای خود «چرا رفتی» به آهنگسازی تهمورس پورناظری را به روح سیمین بهبهانی تقدیم کرد و با گرامیداشت یاد ایرج بسطامی گفت: متاسفانه امروز صبح بانو سیمین بهبهانی درگذشت و همه را داغدار کرد. ایشان دو هفته در بیمارستان بودند و گاهی بهتر و گاهی بدتر می‌شدند. مدتی در حال اغما به سر می‌بردند. ایشان تا ساعت ۱۱ شب گذشته، حال‌شان بسیار خوب بود؛ به گونه‌ای که خانواده‌شان بسیار خوشحال بودند، اما متاسفانه ساعت یک صبح امروز دراثر سکته قلبی درگذشتند. من بسیاری از کارهای ایشان از قبیل تصنیف «هوای گریه» و «چرا رفتی» را خوانده‌ام و این باعث افتخارم است. هر بار با شما گفت‌وگو داشتم، شما این دو کار را بیشتر از همه کارها دوست داشتید.

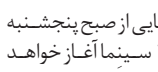

فرهیختگان: در آستانه اکران «شهرموشها ۲»، پیش‌فروش بلیت این فیلم سینمایی از صبح پنجشنبه ۳۰ مرداد در ۱۸ سینما آغاز خواهد شد. با انجام همه هماهنگی‌ها و اخذ کلیه مجوزهای قانونی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، فیلم سینمایی «شهرموشها ۲» از روز چهارشنبه ۵ شهریور ۹۳ در گروه سینمایی قدس روی پرده می‌رود.

تهیه‌کنندگان این فیلم سینمایی اعلام کردند جهت رفاه حال علاقه‌مندان سینما بلیت‌های فیلم «شهرموشها۲» از روز پنجشنبه ۳۰ مرداد در ۱۸ سینمای شهر تهران پیش‌فروش می‌شود. سینماهای شکوفه، فرهنگ، آزادی، اریکه ایرانیان، ایران، ماندانا، کوروش، برج میلاد، ناهید، قدس، مرکزی، ملت، زندگی، عصر جدید، راگا، تماشا، فلسطین، جوان و فرهنگسرای خانواده آمادگی خود را جهت پیش‌فروش حضوری، تلفنی و آنلاین اعلام کرده‌اند.